



وَرَثَ : وارث → اسم فاعل
 سَكَنَ : ساکن → //

عُدَاةَ : عادی → اسم فاعل
 شَيَّاحَ : شایح → اسم فاعل

حَاصِلَ : حصول → اسم مفعول



نَعَّاد → اسم مبالغة
نَعَّاد → م: ناند: اسم فاعل

اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم المبالغة

اسم فاعل

لا حادِ نَحْمُ بِاللّٰتِ مِیْ اُخْسَن *

فعل امر

وزن فاعل بن فعل و الم فاعل مشترک است
آنها را استغناء کنیم



پویش علمی
ماندگار البرز





مُنَاسِبَةٌ : اسم فاعل

در حد کتاب وزن مُفَاعَلَةٌ - اسم مفعول نیست

مُجَاهِدَةٌ

بلکه مصدر است

مُتَسَاهِدَةٌ

مبارزه

مُتَسَاهِدٌ

دام: وزن مُفَاعَلَةٌ اسم مفعول نیست و مصدر است



شانه‌ها را سخن بگو:

۱- تنوین شانه بگو است غیر از اسامی علم

۲- درستی و جمع مذکور لم و برخی طلعات ... شانه بگو بودن

نداشتن «ال» است.

کتابان - مضمون

کتابان - مضمون



حسین ← معرفه به علمیه
ایم علم

زائده
الحسن
الله
حرفه علم

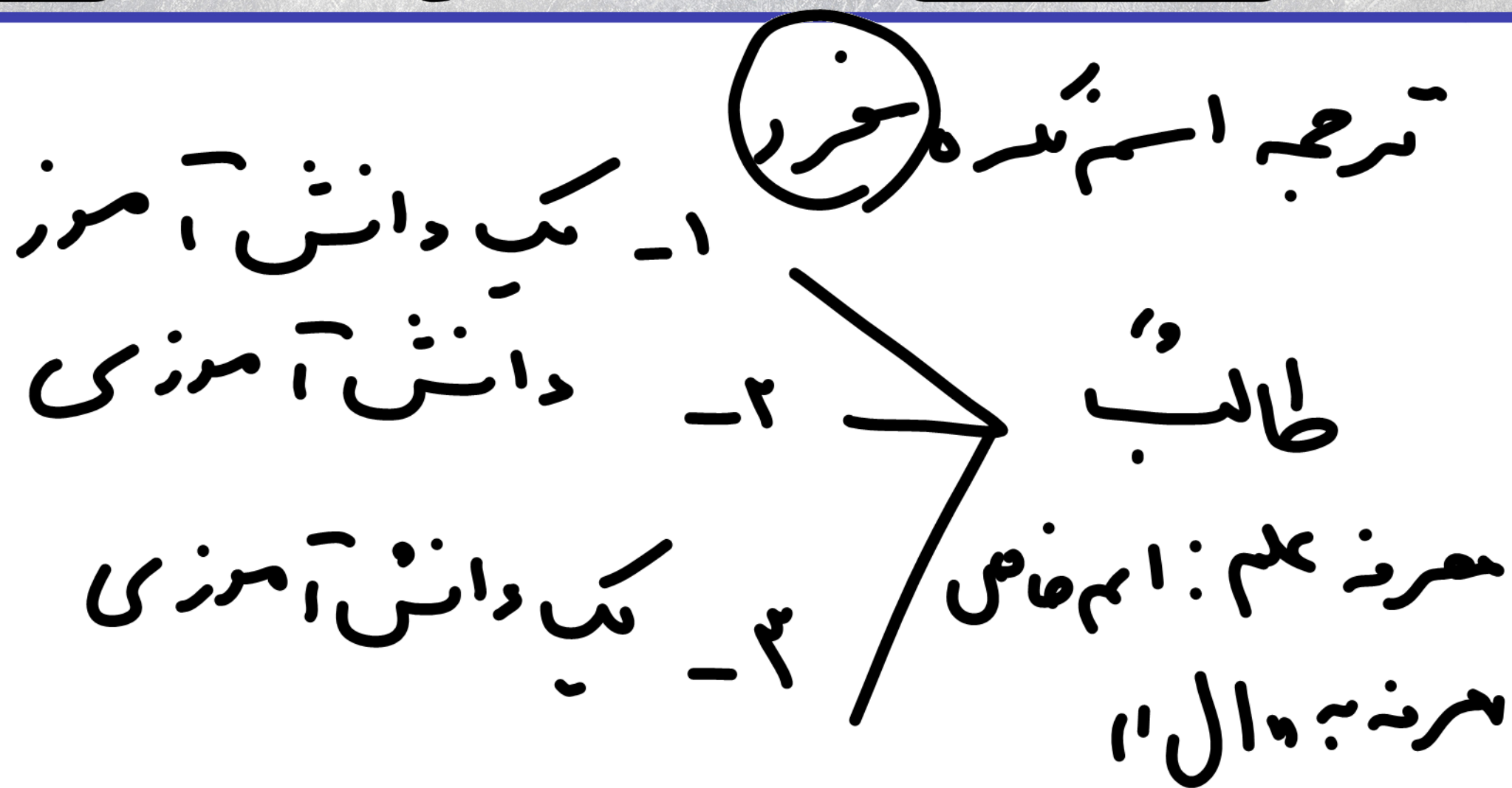
ایم خاص → معرفه به علمیه
ایم خاص: معرفه

توخت: ملره
ایم خاص: معرفه
حفظ کتب: ملره

کریم
حمید

ایم خاص: علم
بزرگوار: ملره
ایم خاص: معرفه
بزرگوار: ملره

حید
حافظ





آراسی نکره باه بعد از امر و معرفه
توی ترجمه اس این / آن سی آید .

رابط طالب فی التایع . الطالب فی الصف العاشر .

آن دانش آموز
این دانش آموز

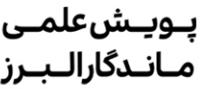
دانش آموزی را
یک دانش آموز را
یک دانش آموز را



در چه مواردی اکم نکره، باید حرفه ترجمه شود.

۱- اکم نکره اگر خبرند و بعد از خبر، صفت نداشته باشیم، اکم نکره
باید حرفه ترجمه شود.

هَذَا طَالِبٌ خَدَّ
مُتَبَدِّلٌ
این دانش آموز است.
این دانش آموزی است



۲- محدود و محدود

رایب نڈائے رجال

این کتب دانش را مرز کوشا است.
 این دانش را مرزی کوشا است.
 این دانش را مرز کوشای است.
 هوای و اثر حال / هوای و حال
 این مردان این حامد هستند
 به مرد را دیدیم .

خوہ و اتر حال / ہوکا و حال
اس مردان اس حار و مستند



علی طالت

احمد خباز

خبر مکره
منت بعد از آن بنامده است

هذ ذک
هذه ملک
هورة و
اولک

هذا کتاب
این کتاب

هذا کتاب
این کتاب است

کتاب سفید
↓ خبر مکره بدون صفت
کتاب سفید است

همایش های جمع بندی تشریحی

مدرسین:

ماضی ماضی / ماضی بعید

ماضی رایت طالبا زکاء ذهاب الی العریبة



پویش علمی ماندگار البرز

حذف بعد از نکره صفت جده / جمله وصفی ماضی استمرار

ماضی رایت طالبا زکاء ذهاب الی العریبة



۱ - ماضی / ماضی بعید

حذف بعد از نکره صفت جده / جمله وصفی

۲ - ماضی رایت طالبا زکاء ذهاب الی العریبة

۳ - ماضی / ماضی بعید

ماضی ماضی / ماضی بعید

پویش جهاد علمی دبیرستان ماندگار البرز



۴ - جمله اسبی + تکره + مضارع ← مضارع اخباری

احمد طالب دَهِبُ الی الدر
 (مفعول مضارع) (مفعول مضارع) (مفعول مضارع)
 که به دریا می رود

ای
است
ای
اند

وَدَ + ماضی : ماضی نقلی (صفت سنوی +

وَدَ دَهِبُ : رفته است

وَدَ رَئِبُ : دیده ام

اگر قدح ماضی بعد از اسم نکره می آید دید ماضی نقلی ترجمه می شود
یا ماضی ساده یا ماضی بعید.



پویش علمی
ماندگار البرز



گاهی + مضارع اخباری

قدح + مضارع

شاید + مضارع التزامی

گاهی می آید

شاید بود

قدح + مضارع